

گونه‌شناسی تعامل نیکو با والدین از منظر قرآن

سکینه آخوند^۱

چکیده

یکی از هنجارهای مثبت اجتماعی که نزد همه جوامع پسندیده است، تعامل نیک و خوش‌رفتاری با دیگران است. مکتب حیات‌بخش اسلام بر احترام، نیک‌رفتاری و احسان تأکید فراوان دارد؛ زیرا بدین وسیله افراد به تکامل فردی و اجتماعی دست می‌یابند.

در میان نیکی‌ها، نیک‌رفتاری با پدر و مادر اهمیت دوچندان دارد. همانند سایر کتب آسمانی، در قرآن نیز به طور مکرر، انسان به رفتار نیکو با پدر و مادر امر شده و پس از توحید و یکتاپرستی، احترام و تکریم پدر و مادر بسیار توصیه شده است.

هدف مقاله حاضر، آشنا ساختن جوانان با شیوه ارتباط و برخورد صحیح با والدین است تا هرچه بیشتر آنان نسبت به وظایفی چون اطاعت، احترام و احسان در حق ایشان آشنا و تشویق شوند. آنچه که از آموزه‌های قرآنی به دست می‌آید، این است که فرزندان بیش از هر چیزی، موظف‌اند تا با گفتار و رفتار نیک و شایسته با پدر و مادر تعامل داشته باشند.

کلید واژه: احسان، تعامل نیکو، خوش‌رفتاری، والدین، قرآن.

انسان موجودی اجتماعی است و پی‌ریزی اولیه مدنیت از اجتماع کوچک خانواده شروع می‌شود. احسان کردن تأثیر بسیاری در تکامل فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و توجه زیادی در اسلام به آن شده است و اسلام از همه خواسته نسبت به یکدیگر احسان کنند، همانگونه که در آیه نود، سوره نحل می‌فرماید: «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان...؛ همانا خداوند (خلق را) به عدل و احسان فرمان می‌دهد...».

در تمامی جوامع نیکی به دیگران، پسندیده است و نیکی به پدر و مادر اهمیت دوچندان دارد. لزوم نیکی به والدین، اختصاص به شریعت اسلام ندارد، بلکه در طول تاریخ و در همه شرایع آسمانی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا به مقتضای عقل، شکر منعم واجب است. خداوند در قرآن بیش از ۲۳ بار به صراحت و یا ضمنی، انسان‌ها را به احسان و نیکی به پدر و مادر امر فرموده است. خداوند به پاس زحمات پدر و مادر، از فرزندان خواسته که حقوق آنان را رعایت کنند و احسان به پدر و مادر را وظیفه فرزندان دانسته و گونه‌های این احسان را نیز بیان نموده است. وجود مفاهیمی چون «احسان به والدین»، «برّ به والدین» و «سفارش شدن انسان به والدین» در آیات قرآن، در واقع بیان مصادیق نیکی به والدین را رهنمون می‌شود.

در دین اسلام علاوه بر قرآن کریم، رعایت حقوق والدین و نیکی به آنان در سخنان پیشوایان دینی نیز مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر مکرم اسلام ﷺ برّ و نیکی به والدین را پس از نماز اول وقت و پیش از جهاد در راه خدا، از محبوب‌ترین اعمال در نزد خداوند معرفی فرموده است. (بخاری، ۱۴۰۱، ۱۳۴/۱)

این نوشتار در پی بیان دیدگاه قرآن در پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا قرآن کریم برای احسان به والدین، حد و مرزی بیان نموده است؟ گونه‌های احسان به والدین در قرآن چیست؟ آیا احسان به والدین فقط در رفتار خلاصه می‌شود یا شامل گفتار نیز می‌شود؟ آیا احسان به والدین، به دنیا و زمان حیات آنان اختصاص دارد و یا شامل روزهای پس از مرگ نیز می‌شود؟

هدف این مقاله نیز آگاه‌سازی مسلمانان، به ویژه جوانان با شیوه ارتباط و برخورد صحیح

با پدر و مادر و شناخت وظایف فرزندان در برابر والدین مانند اطاعت، احترام، احسان در حق ایشان، حق شناسی و سپاسگزاری از زحمات و تلاش والدین و... از دیدگاه قرآن می‌باشد.

مفهوم احسان و نیکی

احسان، مصدر باب افعال از ریشه «ح س ن» است. حُسن در مقابل سوء و معنای زیبایی، خوبی، نیکی، شایستگی، مورد پسند را می‌رساند (فیروزآبادی، ۱۳۷۸، ۱۵۶۳/۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲۲۲/۲). این واژه، در وصف آن دسته از امور دینی و دنیایی به کار می‌رود که به سبب داشتن گونه‌ای از زیبایی عقلی، عاطفی، حسی و... می‌تواند با برانگیختن احساس خوشی، رضایت، زیبایی و تحسین در انسان، او را به خود جذب کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲).

واژه «احسان» در مقابل «اساءه» بوده و دو گونه کاربرد دارد؛ با یکی از حروف اضافه «إلی»، «لام» و «باء» به معنای نیکی و خوبی کردن به کسی و بدون حرف اضافه، مفهوم کار نیکو کردن و نیز انجام دادن نیکو و شایسته کاری در شکل کامل آن را می‌رساند (ابن منظور، بی‌تا، ۱۷۹/۳). بنابراین، احسان به والدین به معنای انجام هرگونه کار خیر و نیکو در مورد آنها است که دارای نموده‌های گوناگون گفتاری و رفتاری می‌باشد.

اهمیت نیکی و احسان به والدین در قرآن کریم

مهم‌ترین رابطه بین دو انسان، رابطه فرزند با پدر و مادر است که نمایانگر وابستگی وجود فرزند به وجود والدین است. بنابراین، احسان و نیکی به والدین ارزش والایی دارد و جایگاه ویژه‌ای در بین مفاهیم اخلاقی دارد.

بررسی آیات قرآن کریم نیز بیانگر این نکته است که خداوند، پیوسته بر احسان به پدر و مادر سفارش می‌کند و در روابط فرزندان با والدین، آن را ملاک ارزش قرار می‌دهد. در هیچ آیه‌ای بیان نشده که فرزند باید با پدر و مادر خود به عدالت رفتار کند؛ زیرا در رابطه فرزند با والدین خود، تحقق عدالت ممکن نیست (مصباح یزدی، ۱۳۷۶) و فرزند نمی‌تواند زحمات آنها را به عدالت، جبران نماید. بنابراین، توصیه به احسان و نیکی بدان‌ها شده است.

اهمیت احترام به پدر و مادر و نیکی کردن به آنها، به اندازه‌ای است که قرآن کریم در نه مورد از آن سخن گفته است. آیه ۸۳ سوره بقره، احسان به پدر و مادر را پیمان خداوند با



بنی اسرائیل بیان نموده و می‌فرماید:

و اذ اخذنا ميثاق بني اسرائيل لا تعبدون الا الله و بالوالدين احسانا...؛

و (یاد آرید) هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد محکم گرفتیم که جز خدای را

پرستید و درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران نیکی کنید....

پیمان گرفتن بر رعایت احوال والدین- که امر بر این کار را در تقدیر دارد- عبارت

تأکیدآمیزی است که بر اهمیت آن اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱/۱۴۹). تأکید قرآن بر

ذکر احسان و مراعات پدر و مادر در کنار توحید و نفی شرک و عبادت و پرستش و شکر

نعمت‌های الهی، به روشنی این مطلب را ثابت می‌کند که رعایت نکردن حق آنان، بزرگ‌ترین

گناه پس از شرک به خداوند است و از این رو، آن را در ردیف گناهان کبیره ذکر فرموده است.

اگر خداوند در جایگاه آفریدگار و پروردگار باید پرستش شود، پدر و مادر نیز در جایگاه

واسطه فیض وجود و نعمت‌های خداوندی بر انسان، باید مورد احترام و احسان قرار گیرند.

از این رو، خداوند اموری را که انسان می‌تواند نسبت به خدا و پدر و مادر به جا آورد، در کنار

هم بیان نموده است. به سخن دیگر، اگر پرستش غیر خدا جایز بود، پرستش شوندگان، همان

پدر و مادر بودند و چون چنین امری کفر و شرک است، خداوند فرمان می‌دهد که به جای

پرستش ایشان، در حق آنان احسان شود. احسان، برترین حالتی است که پس از پرستش

می‌توان تصور کرد. از این رو، مورد تأکید قرار گرفته است.

در سوره اسراء، آیه ۲۳ خداوند حکم روشنی را بیان می‌کند: «و قضی ربك الاتعبدوا الا اياه

و بالوالدين احسانا...؛ پروردگار تو حکم فرموده است: جز او هیچ کس را نپرستید و به پدر و مادر

نیکی کنید...». عبارت «و قضی ربك» در این آیه، به الزامی بودن احسان به والدین دلالت دارد

(طبرسی، ۱۳۷۷، ۳/۴۵۰)؛ چنان که فعل نهی «الاتعبدوا» نیز مؤید این مطلب است. برخی از

مفسران با توجه به نکره بودن «احساناً» بر این باورند که فرزندان باید در همه امور در حق

آنان مراعات احسان را بکنند و چیزی را فرونگذارند. این حکم قرآنی اختصاص به مؤمنان

نداشته، همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ۷/۴۰). قرآن به این شیوه، دیگرانی را که

ایمان به قرآن و خدا ندارند، تشویق می‌کند که دست کم به حکم وظیفه انسانی به پدر و مادر

خویش احسان کنند و احترام بگذارند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

معلوم می‌شود مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید، واجب‌ترین واجبات است؛ همچنان که مسئله عقوق (نفرین) بعد از شرک ورزیدن به خدا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است. به همین جهت این مسئله را بعد از توحید و قبل از سایر احکام اسم برده. نه تنها در این آیات چنین کرده، بلکه در موارد متعددی از کلام خود، همین ترتیب را به کار بسته است. (۱۴۱۷، ۸۰/۱۳)

گونه‌های احسان و نیکی

احسان و احترام به پدر و مادر با توجه به سنت‌ها و فرهنگ‌ها متفاوت است، ولی اصولی انسانی است که در همه جا یافت می‌شود و همه جوامع بدان پایبندند. برخورد پسندیده بر اساس عرف هر جامعه و به‌کارگیری واژگان زیبا، تواضع و فروتنی در برابر آنان، مهربانی و محبت، دعای خیر کردن برای ایشان، دوری از درشت‌گویی و یا به کار نبردن کوچک‌ترین واژه مبنی بر خستگی (اف) از روش‌های احسان و اکرام و احترام به پدر و مادر است.

با مطالعه آیات قرآن مشخص می‌شود که افزون بر بیان اهمیت احسان و نیکی به پدر و مادر، برخی آیات از مطلق احسان سخن گفته و گونه‌ای از احسان را مطرح نکرده است. بنابراین، هر نوع احسانی را شامل می‌شود. بعضی دیگر از آیات، احسان خاصی را بیان نموده و در توصیه نیکی به والدین، گونه‌های اجرایی کردن آن را نیز بیان نموده است. آیات قرآن در برخی از موارد با بیان نموده‌ها، به بازگویی احترام پرداخته و با تبیین موضوعی و مصداقی، مردمان را به عملی کردن احترام توجه داده است.

الف) نموده‌های گفتاری

قرآن کریم، احسان و احترام را در حوزه گفتار و نحوه سخن گفتن بیان کرده تا شخص در کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری و گفتاری، هنجار خاصی را مراعات نماید. برخی آیات در پی آموزش روش تعامل با والدین و احسان و نیکی به آنان در گونه گفتاری است.

۱. رعایت ادب در گفتار

یکی از نموده‌های گفتاری احسان به والدین، رعایت ادب در صحبت کردن با ایشان است. خداوند در سوره طه، آیه ۴۴ خطاب به حضرت موسی' در برخورد با فرعون می‌فرماید:



«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى؛ و با او با کمال نرمی سخن بگویند، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد». به دلیل اینکه فرعون در تربیت و بزرگ کردن موسی متحمل رنج و مشقت شده بود، بنابراین موسی نباید با او بلند صحبت کند و با خشونت رفتار کند (فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۲/۲۲). وقتی خداوند برای زحمت فرعون، او را سزوار «قَوْلًا لَّيِّنًا» می‌داند و موسی را از خشونت نهی می‌کند، پدر و مادر که در تمام عمر متحمل زحمات فرزند خود می‌شوند، به طریق اولی سزوار قول لَیِّن و گفتار نرم و مؤدبانه‌اند.

از جمله آیاتی که تصریح در احسان گفتاری دارد، آیه بیست و سوم از سوره نساء است:
 ... بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.

... به پدر و مادر نیکی کنید! چنانچه یکی از آنها یا هر دو نزد تو سالخورده شدند (که موجب رنج و زحمت باشند) زنه‌ار که کلمه‌ای رنج‌آور به آنها بگویی و بر آنها فریاد مزن و با اکرام با آنها سخن بگو.

در این آیه سه دستور درباره گفتار مؤدبانه با والدین بیان شده است؛ سخن رنجش‌آور به پدر و مادر نگفتن، بر سر والدین داد و فریاد نکردن، با آنها با به نیکویی سخن گفتن. خداوند متعال از کمترین بی‌احترامی نسبت به پدر و مادر با بیان جمله «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ» نهی فرموده است؛ یعنی به آنها اظهار ناراحتی و ابراز تنفر مکن. «اف» به معنای چیز کوچک و کم‌ارزش است و در مقام اظهار تنفر به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). چون انسان چیزی را مکروه داشت، در مقام اظهار کراهت، اف می‌گوید (قرشی، ۱۳۷۱، ۸۹/۱).

این آیه در عبارتی کوتاه و در نهایت فصاحت و بلاغت این معنی را می‌رساند که احترام پدر و مادر چنان زیاد است که در برابر آنها کمترین سخنی که دلیل بر ناراحتی از آنها و یا بی‌میلی و تنفر باشد نیز نباید بر زبان جاری شود. **امام صادق (علیه السلام)** در تفسیر آیه می‌فرماید: «لو علم الله شيئاً هو ادنى من اف لئله عنده؛ اگر چیزی کمتر از «اف» وجود داشت، خداوند از آن نهی می‌کرد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۰/۳۷۵).

در عبارت «وَلَا تَنْهَرُهُمَا»، نه‌ر به معنی فریاد کشیدن و سخن را با شدت و خشم ادا کردن است. معنی آیه این است که با صدای بلند و اهانت‌آمیز و داد و فریاد با آنها سخن مگو. دوران پیری و ناتوانی، کم‌حوصلگی و ناشکیبایی در برابر کوچک‌ترین ناهنجاری را به همراه

دارد. طبیعی است که فریاد کردن و با خشم سخن گفتن، روح و روان پدر و مادر را می‌آزارد. فرزندان از این عمل نهی شده‌اند که مبادا بر سر آنها فریاد بزنند. در نتیجه با انجام ندادن این دو عمل (اف نگفتن و فریاد نکشیدن) آرامش روحی و روانی پدر و مادر سالخورده و افتاده، تأمین خواهد شد.

در عبارت «وَقُلْ لَهَا قَوْلًا كَرِيمًا» به فرزند امر می‌شود که با آنها با قول کریم و گفتار بزرگوارانه سخن بگوید که همه اینها، نهایت ادب در سخن را می‌رساند. خداوند در این آیه بر احسان و نیکی کامل نسبت به پدر و مادر تأکید فرموده است؛ زیرا نخست، احسان آنها را مقارن توحید قرار داده و سپس کار را در نیکی نسبت به آنها چنان سخت گرفته که فرزند را از گفتن کوچک‌ترین کلمه‌ای که دلالت بر اظهار دلتنگی کند منع کرده است؛ اگرچه گاهی وجود آنها و تحمل مشکلات آنها باعث ناراحتی فرزند شود.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

قال إن أضجرك فلا تقل لها أف ولا تنهرهما إن ضرباك.... إن ضرباك فقل لها
غفر الله لكما فذلك منك قول كريم (فيض کاشانی، ۱۴۰۶، ۵/۴۹۳).

اگر پدر و مادر تو را غمگین کردند، بدانها کمترین حرفی نزن و اگر تو را زدند، آنها را زجر مده بلکه به آنها بگو: «خداوند شما را بیامرزد» و این سخن همان قول کریم است که خداوند در قرآن آورده است.

امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۴ صحیفه خویش به مقام و شخصیت والای پدر و مادر و وظایف فرزندان در مورد آنان اشاره نموده و با درخواست از خداوند متعال برای ادب در گفتار با والدین، آن را به ما آموزش می‌دهد: «بارخدا، صدایم را در برابر ایشان آهسته و سختم را خوشایند و خویم را نرم نما».

۲. قدرشناسی از والدین

یکی از نمونه‌های احسان و نیکی به پدر و مادر، تشکر از ایشان است؛ همان‌گونه که خداوند متعال در سوره لقمان، آیه ۱۴ حق‌شناسی از پدر و مادر را در کنار شکرگزاری از نعمات خویش مورد سفارش قرار داده و می‌فرماید: «... أن اشکر لی و لو الدیك الی المصیر؛... و نخست شکر کن من که خالق و منعمم و آنگاه شکر پدر و مادر به جای آور که بازگشت خلق به سوی من

خواهد بود». عبارت «ان اشکر لی و لوالدیک» بر وجوب سپاسگزاری از والدین همچون وجوب شکرگزاری از خداوند اشاره دارد و آن را از نمودهای شکر (و عبادت) خداوند و بلکه هم‌ردیف آن دانسته است. «الیّ المصیر» در انتهای آیه نیز با یادآوری اینکه سرانجام، همگی در محضر خداوند حاضر خواهند شد و او به حساب همگی رسیدگی خواهد کرد، انسان را بر این شکرگزاری ترغیب می‌کند و از ترک آن بر حذر می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۲۷/۱۶).

در توضیح این آیه باید گفت شکر منعم (قدردانی از کسی که نعمتی به انسان رسانده)، لازم عقلی است. با توجه به اینکه پدر و مادر یکی از مجاری فیض خدا و نمودهای نعمت او و نماد نیکی و احسان به فرزند می‌باشند و از جان و مال خود برای پرورش او مایه گذارده‌اند، سزاوارترین انسان‌ها برای احترام و قدردانی‌اند و بهترین احترام و قدرشناسی، محبت و اطاعت از آنها است. بنابراین، سپاس‌گزاری از ایشان در طول سپاس‌گزاری از خدا قرار می‌گیرد. البته همان‌گونه که در شکر نعمت‌های الهی نباید به زبان و تعظیم بسنده کرد و با اطاعت و عمل نیز باید خدا را سپاس گفت، در مقابل الطاف و محبت‌های پدر و مادر هم در عمل باید تشکر کرد و آنچه از احترام و خدمت و کمک که سزاوار مقام آنان است، از آنان دریغ نکرد.

از نمودهای قدرشناسی والدین این است که انسان نسبت به آنها درستی نکند و همواره در جلب رضایتشان تلاش نماید. امام صادق علیه السلام در مورد سپاس‌گزاری از والدین می‌فرماید:
 یجب للوالدین علی الولد ثلاثه اشیاء: شکرهما علی کل حال و طاعتها فیما یأمرانه و ینهیانه عنه فی غیر معصیه الله و نصیحتها فی السرّ و العلانیه (حرانی، ۱۴۰۴).

سه چیز بر فرزند، در حق پدر و مادر واجب است؛ شکر پدر و مادر به هر شکل ممکن، اطاعت از پدر و مادر در هر چیزی که امر و نهی می‌کنند به جز در گناه و معصیت خدا، خیرخواهی برای ایشان در پیدا و نهان.

این احسان و خیرخواهی و خدمت به پدر و مادر به سپاس از زحمات طاقت‌فرسای آنان انجام می‌گیرد و فرزند نباید گمان کند که در حق آنان تفضل می‌کند و یا بر آنها منت بگذارد.

۳. دعا در حق والدین

یکی از نمودهای احسان و تکریم والدین، دعا و طلب خیر و رحمت از خداوند متعال برای ایشان است. در هنگام دعا و نیایش نباید والدین را فراموش کرد. آیات قرآن بر این ویژگی حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام نیز اشاره دارد و ضمن نقل دعاهای مختلف ایشان

به درگاه خداوند، از درخواست بخشایش الهی در حق پدر و مادرشان خبر می‌دهد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا...»؛ و بارالها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه من داخل شود [و...] را ببخش و بیامرز...» (نوح: ۲۸) و «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ بارالها روزی که حساب به پا می‌شود تو در آن روز سخت بر من و والدین من و همه مؤمنان از کرم ببخشا» (ابراهیم: ۴۱) و از آنجا که ما مسلمانان موظف به پیروی از آیین ابراهیم عليه السلام می‌باشیم، لازم است برای پدر و مادر خود، طلب آمرزش و بخشایش نماییم.

این آیات و نیز آیه ۲۴ سوره مبارکه اسراء بیان می‌دارد که یکی از وظایف فرزندان برای رعایت حقوق والدین و احترام به ایشان، دعاگویی در حق آنان است: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا؛ بگو بار پروردگارا، به آن دو رحمت آر، چنانکه در خردسالی مرا از روی رحمت و مهربانی پروراندند». در این آیه، دلیل سفارش انسان به دعای خیر در حق پدر و مادر نهفته است و آن، مهربانی آنها به فرزند در دوران خردسالی اوست. خداوند دوران کودکی و ناتوانی فرزند را به یاد او می‌آورد و به او گوشزد می‌کند که از خدا بخواهد خدای سبحان بر ایشان رحم کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۱/۸).

یکی از تعالیم امام سجاد عليه السلام در صحیفه سجادیه که از بارزترین نموده‌های حق شناسی درباره والدین است، طلب خیر و برکت برای آنها در دعاست. آن حضرت می‌فرماید: «خدایا، آنان را به پرورش من جزا ده و در گرامی داشتنم پاداش ده، آنچه در کودکی از من محافظت نموده‌اند، برای آنها نگاه دار». امام همچنین در فرازهای دیگر دعا نیز به زحمات و تلاش‌هایی که والدین در پرورش و تربیت فرزندان متحمل شده‌اند، اشاره می‌کند و سپس برای آنان، طلب پاداش و بخشایش می‌کند و می‌فرماید:

پدر و مادر مرا به بهترین چیزی که اختصاص داده‌ای به آن پدران و مادران بندگان با ایمانت، امتیاز ده... مرا به وسیله دعا برای ایشان و ایشان را به سبب مهربانی‌شان به من بیامرز و به شفاعت و میانجی‌گری من برای ایشان، از آنها راضی و خوشنود شو و آنها را با گرامی داشتن به جاهای آسایش برسان (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۱).

البته نباید فراموش کرد که امر به دعا در حق والدین، هم زمان زندگی و هم پس از مرگ ایشان را شامل می‌شود که مفسران نیز به آن اشاره نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۸، ۶۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۱/۸).



ب) نمودهای رفتاری

قرآن در آیات مختلف، انسان را به نیکی، خوش رفتاری و مهربانی با پدر و مادر سفارش کرده و چگونگی رفتار با ایشان را به او تعلیم داده است و از او خواسته در هر شرایطی از احسان و خدمت به والدین دریغ نکند و در همه حال با ایشان خوش رفتار باشد.

۱. فرمانبرداری از والدین

اطاعت والدین برای جلب رضای خدا، وظیفه هر فرزندی است و نافرمانی از ایشان موجب خشم الهی است. پدر و مادر، دلسوزترین و خیرخواهترین افراد در زندگی هر فردند و او را به سمت خیر و صلاح، پیشرفت و سربلندی راهنمایی می کنند. پس فرزند باید با در نظر گرفتن رضای خدا، فرمانبردارشان باشد تا اسباب خشنودی آنان و خدای متعال را فراهم کند. فرمانبرداری از والدین، گونه‌ای احسان به آنان است.

در قرآن کریم اطاعت و تکریم پدر و مادر در کنار اطاعت پروردگار بیان شده و این نشان می دهد حق پدر و مادر از بزرگ‌ترین حقوق و بر همه چیز، مقدم است. فقط یک مورد استثنا شده و شخص می تواند از دستور پدر و مادر اطاعت نکند و با حفظ احترام ایشان، از آن سرپیچی کند و آن، کفر به خداوند است که در این مورد می توان از حکم و فرمان آنان اطاعت نکرد. بنابراین، اطاعت از ایشان تا جایی واجب است که به خروج فرزندان از دایره بندگی الهی و مسیر حق و عدالت نیانجامد.

آیات قرآن به روشنی انسان را از اینکه در برابر تلاش والدینش برای شرک ورزیدن به خداوند عقب‌نشینی کند و به خدا مشرک شود، نهی نموده و در سوره عنکبوت آیه هشتم می فرماید: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا؛ اگر آن دو سعی کردند که چیزی را که به آن علم نداری، شریک من قرار دهی، از آنها اطاعت نکن.» از سوی دیگر، خداوند در سوره لقمان به این نکته اشاره می کند که نافرمانی از والدین در اموری که موجب سستی در ایمان می شود، مجوز بد رفتاری با ایشان و نافرمانی در امور غیر اعتقادی نمی شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۲۷/۱۶) و خداوند از فرزندان خواسته که در دنیا به طرز شایسته‌ای با ایشان رفتار کنند:

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهَا فِي
الدُّنْيَا مَعْرُوفًا.... (لقمان: ۱۵)

و اگر پدر و مادر تو را به شرک به خدا که آن را به حق نمیدانی وادار کنند، در این صورت دیگر آنها را اطاعت مکن و لیک در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحبت کن....

واژه «جاهداک» اشاره به این است که پدر و مادر گاه به گمان اینکه سعادت فرزند را می‌خواهند، می‌کوشند او را به عقیده انحرافی خود بکشانند. در این موارد، وظیفه فرزندان این است که هرگز در برابر این فشارها تسلیم نشوند و استقلال فکری خود را حفظ کرده، عقیده توحید را با هیچ چیز معاوضه نکنند. (مکارم، ۱۳۷۴، ۴۲/۱۷) در این دستور ارشادی قرآن، دو نکته مهم وجود دارد:

یک. اگر اطاعت والدین، در راستای اطاعت خدا نیست، بلکه با آن منافات دارد و مستلزم شرک و عصیان است، باید از آن خودداری کرد و نباید به دلیل اطاعت والدین، گرفتار نافرمانی خداوند شد.

دو: نافرمانی والدین، مستلزم بدخلقی و تندخویی نیست. در حقیقت، آیه بیان می‌کند که وجوب اطاعت از والدین، مطلق نیست، ولی حُسن خلق در برابر آنها مطلق است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «... فحق الوالد علی الولد أن یطیعه فی کل شیء إلا فی معصیة الله سبحانه... حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۳).

امام رضا علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «نیکی به والدین واجب است؛ گرچه مشرک باشند، ولی در معصیت خدا نباید آنان را اطاعت کرد» (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۲۴/۲).

۲. خدمت به والدین و رفع نیاز آنها

از دیگر نمودهای برجسته احسان، خدمت به والدین است. سزاوار است مؤمن در اکرام و تعظیم والدین اهتمام کند و در خدمت به ایشان کوتاهی ننماید و ضروریات ایشان را پیش از آنکه بیان کنند، برایشان مهیا نماید (قمی، ۱۳۷۲)

قرآن کریم احترام و خدمت به والدین را از ویژگی‌های بارز پیامبران الهی و از فضایلی دانسته که خداوند به ایشان عطا نموده و با این ویژگی، آنها را از دیگران متمایز ساخته است. برای نمونه، خداوند در سوره مبارکه مریم آیه ۱۴، ضمن بیان فضایلی که برای حضرت یحیی علیه السلام برمی‌شمارد، او را «نیکوکار به والدینش» خوانده است: «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ

جبارا عصیا؛ و او به لطف خاص ما بدان مقام نبوت رسید و از این رو که طریق بندگی خدا و تقوی پیش گرفت». همچنین در آیه سی و دوم این سوره ویژگی‌های آشکاری که به عیسی عَلَيْهِ مرحمت شده، از اینکه خداوند او را نیکوکار نسبت به مادرش قرار داده، خبر می‌دهد: «وَبَرَّأ بَوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا؛ و به نیکویی با مادر توصیه نموده و مرا ستمکار و شقی نگرانید». افزون بر اینها، سفارش‌های پی‌درپی در مورد نیکی به پدر و مادر بیان شده است. از جمله آیات: هشت سوره عنکبوت: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا...؛ و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند...» و آیه پانزدهم سوره احقاف: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا...؛ و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم». خداوند در این آیات، تجلیل و احترام ویژه‌ای را ذکر نفرموده و انسان را به رعایت حال پدر و مادر و خدمت و احسان به آنها دعوت کرده است. نتیجه، اینکه هرگونه احترام و خدمت به پدر و مادر، دستور خداوند است و هرگز مقید به حدودی به جز قدرت و امکان از نظر عقلی و شرعی نیست؛ به این معنا که هرچه انسان در توان دارد، باید برای پدر و مادرش انجام دهد و در این مورد کوتاهی نکند.

نخستین نکته در این آیات، انتخاب واژه «توصیه و وصیت» است که در مفهوم آن، سفارش و تأکید نهفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ۲۲۳/۷). نکته دیگر در آیه این است که خداوند، نیکی به پدر و مادر را وظیفه همگانی برشمرده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ». این بیان نشان می‌دهد که نیکی به پدر و مادر، نه فقط مسؤولیت و وظیفه‌ای دینی و اسلامی، که رفتاری انسانی است. کسی که نسبت به این کار، بی‌تفاوت و بی‌اعتنا باشد، از رفتار انسانی بی‌بهره است.

از نکات ادبی جالب توجه در این آیات، متعددی شدن احسان با «ب» است که نشان می‌دهد نیکی به پدر و مادر باید مستقیم و بدون واسطه انجام گیرد. احسان، گاهی با «الی» و گاهی با «ب» ذکر می‌شود. اگر با «الی» آورده شود، مفهوم آن نیکی کردن، هرچند غیر مستقیم و باواسطه است، ولی هنگامی که با «ب» گفته می‌شود، معنی آن نیکی کردن مستقیم و بدون واسطه است، بنابراین، آیه تأکید می‌کند که موضوع نیکی به پدر و مادر را باید چنان اهمیت داد که بدون واسطه به آن اقدام نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۳/۶).

به کار بردن واژه «احسان» به صورت مصدری که در ادبیات عرب برای تأکید به کار گرفته

می‌شود نیز افزون بر بار مفهومی، از زیبایی کلامی نیز برخوردار است. اگر به جای «احسان» از هر واژه دیگری همانند محبت، مهربانی، تکریم و... استفاده می‌شد، این جامعیت مفهومی و زیبایی کلامی را نداشت. مطلق بودن واژه «احسان» بر این معنی دلالت دارد که نیکی نمودن به پدر و مادر، محدود به زمان حیات آن دو نیست و پس از مرگ آنان نیز می‌توان به ایشان احسان نمود. همچنین بیان می‌کند که احسان و خدمت به پدر و مادر، محدود به مکان، زمان و شرایط خاص نبوده، همیشه و همه‌جا این حق برای آنان محفوظ است.

امام رضا علیه السلام این جامعیت را این‌گونه تبیین فرموده است:

بسر تو باد به فرمانبرداری از پدر و نیکی به وی و فروتنی و خاکساری در برابر او و بزرگ‌داشتن و گرامی‌داشتن او و نیز آرام سخن گفتن در حضورش؛ زیرا پدر، ریشه و پسر، شاخه اوست. اگر پدر نبود، خدا پسر را هم تقدیر نمی‌کرد. اموال و آبرو و جانتان را برایشان بذل کنید که... جان و مال تو برای پدر است، پس در دنیا از پدران به نیکی پیروی کنید و پس از مرگشان برای آنان دعا و طلب رحمت کنید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۶/۷۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۲۲۵).

در روایات، نیکی به والدین از امور عبادی معرفی شده که رضایت خداوند را برای انسان کسب می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

بر الوالدین من حسن معرفة العبد بالله اذ لا عبادة اسرع بلوغا بصاحبها الی رضی الله من حرمة الوالدین المسلمین لوجه الله تعالی (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴/۷۷).

نیکی به پدر و مادر نشانه شناخت شایسته بنده خدا است؛ زیرا هیچ عبادتی زودتر از رعایت حرمت پدر و مادر مسلمان به خاطر خدا، انسان را به رضایت خدا نمی‌رساند.

روزی فردی از امام صادق علیه السلام در مورد آیه «و بالوالدین احساناً» پرسید. حضرت فرمود:

احسان آن است که با آنان معاشرت نیکو و پسندیده داشته باشی و در مجالست و مصاحبت، از احترام به آنها دریغ نورزی و آنها را مجبور نکنی تا چیزی را که احتیاج دارند، از تو بخواهند؛ هرچند بی‌نیاز باشند. از حال و روزگار آنان، مشکلاتشان را درک کنی و در مواقع لزوم آنان را دریابی. آیا خداوند نمی‌فرماید: «به مقام نیکوکاران نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید، انفاق بکنید؟» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۵۷/۲؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴۰۸/۴).

این روایت، نشانگر ارزش والای پدر و مادر نزد خداوند متعال است و شاید همین نکته



سبب شده که در این روایت، **ابی ولاد** از امام درباره چگونگی احسان به پدر و مادر سؤال کند؛ چراکه چینش خداوند حکیم در قرآن، عادی به نظر نمی‌رسد و این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا نیکی و احترام در اینجا، گونه ویژه‌ای از احسان است؟ حضرت دو نمود بیان می‌فرماید و ما را به پاسخ می‌رساند: نخست هم‌نشینی خوب و نیکی با پدر و مادر که بین ایشان و دیگران مشترک است و دیگر، برآورده نمودن خواسته‌هایشان پیش از درخواست؛ هرچند به ما نیاز نداشته باشند. از این بیان دریافت می‌شود که اگرچه نیکی به دیگران با تقاضای آنان و یا گرفتاری در کارشان بر ما لازم می‌شود، فرزند در قبال والدین وظیفه‌ای سنگین‌تر بر دوش دارد و آن، اینکه پیش از درخواست آنها و با وجود بی‌نیازی آنان، باید خواسته آنها را برآورده کند؛ یعنی خداوند برای والدین، نسبت به سایر افراد چنان اهمیتی قایل است که نمی‌خواهد به همین اندازه نیز به سختی بیفتند و یا شرمنده فرزند شوند. نکته دیگر حدیث این است که انجام کار با درخواست پدر و مادر احسان نیست؛ بلکه نیکی به آنها بدون اظهار حاجت، احسان است.

از این فرموده امام سجاد علیه السلام نیز چنین به دست می‌آید که خدمت به والدین باید با رغبت و کوچک شمردن این خدمات انجام گیرد؛ چراکه وجود کمترین اکراه و نارضایتی در چهره و یا عمل فرزند، سبب آزرده شدن ایشان می‌شود: «خدايا؛ چنان کن که نیکی آن دو را در حق خود بسیار ببینم؛ اگرچه اندک باشد و نیکی خود را در حق آنها اندک ببینم؛ اگرچه بسیار باشد» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۱).

۳. انفاق به والدین

انفاق اموال از مهم‌ترین اموری است که خداوند متعال، پس از اقامه نماز از انسان خواسته است. برخی آیات، پدر و مادر را در صدر کسانی قرار داده که باید به آنها کمک شود. آیه ۲۱۵ سوره مبارکه بقره، فرزندان را به انفاق از اموال خود به والدین و یا انجام اعمال خیر- انفاق عملی- در حق آنان دعوت می‌کند: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ؛ از تو می‌پرسند که چه انفاق کنند. بگو هر مالی که می‌بخشید، پس بهتر است به والدین و نزدیکان و... بخشید». این آیه نسبت به انفاق واجب و مستحب است، ولی در صورت نیاز پدر و مادر، انفاق واجب می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ۳۲۱/۱). خیر فقط شامل امور مادی نمی‌شود، بلکه

امور معنوی را نیز دربرمی‌گیرد؛ هرچند نمود آن در مورد انفاق، اموال است. در ادامه آیه، در عین گسترده بودن موارد انفاق، اولویت‌ها نیز بیان شده است که پدر و مادر و سپس نزدیکان نیازمند، دارای اولویت می‌باشند.

تقدم انفاق به پدر و مادر بر سایر گروه‌ها عللی دارد که می‌توان آنها را چنین برشمرد:

- انفاق به پدر و مادر، هم انفاق است، هم صله رحم و هم نیکی به ایشان.

- در بیشتر موارد، فرزندان با تشکیل خانواده، پدر و مادر را از یاد می‌برند؛ خداوند به آنان یادآوری می‌کند تا آنان را فراموش نکنند.

- سختی‌هایی که پدر و مادر برای آسایش فرزندان متحمل می‌شوند و خالقیت خداوند از طریق آنها تحقق می‌یابد.

- حق پدر و مادر از حقوق دیگران بالاتر است؛ زیرا خداوند احسان به پدر و مادر را در کنار توحید قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۰/۵۱۷).

رسول اکرم ﷺ درباره پاداش انفاق و انجام عمل خیر برای پدر و مادر فرموده: «من حج عن والدیه او قضی عنهما مغرماً بعثه الله یوم القیامة مع الابرار؛ کسی که به نیت پدر و مادرش حج انجام دهد یا بدهکاری آنها را بپردازد، خداوند او را در روز قیامت با نیکان برمی‌انگیزد» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۱۶/۴۶۸).

۴. فروتنی نسبت به پدر و مادر

یکی از بارزترین مصادیق احسان و نیکی به والدین، فروتنی و تواضع در برابر ایشان است. تواضع در برابر والدین باید به گونه‌ای باشد که آنها این فروتنی و خضوع را در فرزند به روشنی ببینند. خضوع در برابر والدین چنان ارزش و اهمیت دارد که خداوند در قرآن کریم سوره اسراء آیه ۲۴، با تعبیر زیبایی آن را بیان می‌کند: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...» و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران...». این آیه به تواضع و فروتنی در مقابل والدین دستور می‌دهد. «خفض جناح» به معنای پر و بال گستردن این مفهوم را می‌رساند که برای پدر و مادر تواضع کن؛ تواضعی که ناشی از رحمت و مهربانی تو است.

به گفته لغت‌شناسان، تواضع دو گونه است؛ گاهی تواضع، انسان را پست می‌کند، مانند تواضع در برابر مستکبران و گردنکشان. گاهی نیز انسان را بالا می‌برد، مانند تواضع در برابر

مؤمنان، پدر، مادر و معلم. در چنین مواردی، تواضع را «خفض جناح» می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۳۰/۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۵).

واژه «ذل» نیز در آیه، به معنای نرمی و تسلیم است و زمانی به کار می‌رود که امری از روی قهر و غلبه بر کسی وارد شود. گویا انسان، خود را در برابر پدر و مادر، مقهور و مغلوب می‌بیند و با اینکه آنها به او نیازمندند، مانند برده یا اسیری در برابر آنان با تواضع و فروتنی او امرشان را اطاعت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۳۰/۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۵). به هر حال، تواضع به پدر و مادر باید از رحمت و عواطف قلبی و عمل به فرایض الهی نشأت گرفته باشد، نه از روی کراهت و اجبار و ترس و نیاز.

همچنین لفظ «اخفض» همراه «ذل» آمده و هر دو به معنای نرمش و فروتنی با پدر و مادر است و تکرار دو کلمه هم‌معنا نشانه تأکید است؛ یعنی انسان باید در معاشرت و گفتگو با پدر و مادر به گونه‌ای رفتار کند که تواضع و خضوع او را احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان ملایم و خوار می‌دارد و نسبت به آنان، مهر و رحمت دارد؛ این تعبیر کنایه از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۱/۱۳). در روایات، عبارت «جناح الذل»، نگاه با رأفت و رحمت و دوری از نگاه‌های تیز و تند و بلند نکردن صدا و بالا بردن دست و پیش نیفتادن از آنان معنا شده است.

آیات، مؤید این نکته‌اند که فرزندان در دوران پیری والدین باید در برخورد با ایشان، صبر و بردباری پیشه کنند و بیش از پیش بر مهربانی و عطوفت خود با ایشان بیفزایند؛ چراکه آنها به دلیل شرایط این دوره، مانند از دست رفتن توان جسمی و فکری، ممکن است رفتار و یا گفتاری از خود بروز دهند که تحمل آن برای فرزندان جوان، سخت باشد و یا ممکن است نیاز به نگهداری داشته باشند. در چنین شرایطی، فرزندان باید هرچه بیشتر در رعایت احوال آنها بکوشند. بنابراین مصداق تواضع در این آیه، طبق فرمایش امام صادق علیه السلام چنین بیان شده است:

لا تملأ عینیک من النظر الیهما الا برحمة و رقة، و لا ترفع صوتک فوق اصواتهما، و لا یدیک فوق ایدیہما و لا تتقدم قدامہما (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴/۷۹).

چشمهات را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر خیره مکن و صدایت را

بلندتر از صدای آنها نکن، دستهایت را بالای دست‌های آنها مبر و جلوتر از آنان راه مرو.

۵. خوش رفتاری

اگر پدر و مادر در حق فرزند کوتاهی کنند و ظلمی انجام دهند، سبب نمی‌شود که فرزند نیز درباره آنان به وظیفه‌اش عمل نکند. **امام باقر علیه السلام** می‌فرماید:

ثلاث لم يجعل الله عز و جل لأحد فيهن رخصة أداء الأمانة إلى البر و الفاجر و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر و بر الوالدين برين كانا أو فاجرين (كليني، ۱۴۰۷، ۱۶۲/۲).

سه چیز است که خداوند درباره آنها برای مخالفت رخصت نفرموده است: رد امانت به نیکوکار و بدکردار، وفا به پیمان نسبت به نیکوکار و بدکردار، خوش رفتاری با پدر و مادر؛ نیکوکار باشند یا بدکردار.

از این روایت و روایات دیگر استفاده می‌شود که والدین؛ مؤمن باشند یا کافر، نیکوکار یا معصیت‌کار، باید مورد احترام و خوش رفتاری فرزندان قرار گیرند. بنابراین، نیکی و احسان به پدر و مادر و فراهم کردن خشنودی آنان در همه حالی لازم است و سعادت دنیا و آخرت را به همراه می‌آورد.

۶. احترام به والدین

عام‌ترین معنی و مصداق احسان، احترام به پدر و مادر است. رعایت احترام والدین، هیچ مرزی ندارد و همه ابعاد رفتاری و اخلاقی فرد را در نهایت تواضع در بر می‌گیرد. در **قرآن**، لفظ احترام به کار نرفته، ولی مفهوم آن با اصطلاحات دیگر و یا بیان مصداقی احترام، تبیین و توصیه شده است. این مصداق در داستان **حضرت یوسف علیه السلام** نمایان است؛ حضرت یوسف به استقبال پدر و مادر خود رفته، آنها را در آغوش می‌گیرد و در جای بلند و برتر می‌نشاند:

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ وَ رَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا (يوسف: ۹۹ و ۱۰۰).

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت و گفت: «همگی داخل مصر شوید که ان شاء الله در امن و امان خواهید بود» و پدر و مادر را بر تخت بنشاند و آنها همگی پیش او (به شکرانه دیدار او، خدا را) سجده کردند.



این آیات، بیانگر این نکته است که انسان در هر مقام و رتبه‌ای، باید تکریم و احترام پدر و مادر را از امور واجب بداند و آنان را از خود برتر بداند. بر جای برتر نشان دادن، از روش‌های تکریم و احسان به پدر و مادر و احترام نهادن به والدین است که از آیات سوره یوسف، چنین دریافت می‌شود.

در روایات، به این امر فراوان پرداخته شده و گونه‌های آن بیان شده است. رسول خدا ﷺ درباره احترام به پدر و مادر فرمود: «حق الوالد علی الولدان لا یسمیه باسمه و لا یشی بین یدیه و لا یجلس قبله و لا یستسب له؛ پدر را با اسم صدا نزنند، پیش رویش راه نرود، قبل از او ننشیند و سب ناسزا گفتن به پدر نشود» (طبرسی، ۱۳۸۵). در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز گونه‌های احترام به والدین چنین بیان شده است:

و لا تمأأ عینک من النظر الیهما الا برحمه و رقه و لا ترفع صوتک فوق اصواتهما و لا یدک فوق ایدیہما و لا تقدم قدمهما (بحرانی، ۱۴۱۶، ۳/۵۱۷).

به پدر و مادرت جز با نظر رحمت و مهربانی نگاه نکن و صدایت را بالاتر از صدای آنها نبر و دستت را بالای دست ایشان بلند نکن و در هنگام راه رفتن، جلوتر از قدم‌های ایشان راه نرو.

از آنجا پدر و مادر در کودکی، همه نیازمندی‌های فرزند خود را با دلسوزی و بذل مال و سعی زیاد رفع کرده‌اند و کس دیگری مانند آنان، چنین ایثارگرانه عمل نمی‌کند، خداوند در سوره اسراء آیه ۲۴، دستور می‌دهد که فرزند پس از مرگ نیز برای آنان رحمت و مغفرت طلب کنند: «... قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمْ کَمَا رَبَّیْتَنِی صَغِیرًا... و بگو پروردگارا! چنانکه پدر و مادر مرا از کودکی به مهربانی پرورند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما». از این آیه برمی‌آید که دعای فرزند برای پدر و مادری که از دنیا رفته‌اند، مورد قبول خداوند است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۶۳۲). امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بنده‌ای در حال حیات پدر و مادرش به آنها نیکوکار است، ولی پس از مرگ آنها را فراموش می‌کند و بدهی ایشان را نمی‌پردازد و برای آنها طلب رحمت نمی‌کند. خداوند او را جزو عاق والدین ثبت می‌نماید، اما بنده دیگری در حال حیات، عاق والدین است، ولی پس از مرگ با دعا و استغفار، آنها را یاد می‌کند. خداوند او را نیکی‌کننده به والدین ثبت خواهد فرمود (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۱۶۳).

از دیدگاه روایات نیز حقوق پدر و مادر بر فرزند، منحصر به دوران حیات آنان نیست و با مرگشان خاتمه نمی‌یابد. بلکه پس از مرگ نیز فرزند وظیفه دارد به آنان نیکی کند؛ حقوق ادانشده ایشان را ادا کند، برای ایشان نماز بگذارد، روزه بگیرد، طلب آمرزش نماید، حج و انفاق کند و به عهد و پیمانشان وفا نماید؛ زیرا نیکی‌های فرزندان به آنان می‌رسد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

نباید چیزی مانع نیکی کردن فردی از شما به پدر و مادرش شود؛ زنده باشند یا مرده. از جانب آنها نماز بخواند و صدقه دهد و حج گزارد و روزه بگیرد تا آنچه کرده، ثوابش از آنها باشد و مانند آن هم برای خود او، تا خداوند به وسیله احسان و صلح او، خیر و فراوانی برایش زیاد کند (طبرسی، ۱۳۸۵).

بسیاری از پدر و مادرها در دوران زندگی، نیاز مادی به فرزندان ندارند، ولی نیاز معنوی؛ چه در این عالم و چه در عالم برزخ، حتمی است. آنها نیازمند دعا و استغفار فرزندان و بازماندگان اند و چون روح والدین پس از حیات، با این جهان ارتباط دارد، اعمال خیری که فرزندان برای آنان انجام می‌دهند، مانند هدایایی به روح آنها می‌رسد و آنان را خرسند می‌سازد. در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌خوانیم:

ما من عبد زار قبر مؤمن فقراء علیه «انا انزلناه فی لیلة القدر» سبع مرات الا غفر الله له و لصاحب القبر (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲۵/۵۷۷).

هیچ مؤمنی نیست که زیارت قبر مؤمنی کند و هفت مرتبه سوره قدر را بر او بخواند، مگر اینکه خداوند او و صاحب قبر را می‌آمرزد.

تأثیر عمل نیک فرزند، زیارت قبر والدین و خواندن قرآن برای ایشان، نه فقط برای آنان، که برای خود شخص نیز دارای اجر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «من زار قبر والدیه او احدهما فی کل جمعة مرة غفر الله له و کتب براه؛ کسی که قبر پدر و مادر یا یکی از آن دو را در هر جمعه یک بار زیارت کند، خداوند او را می‌بخشد و او را نیکوکار می‌نویسد» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۱۶/۴۶۸).

۷. نگاه مهرآمیز به پدر و مادر

«نگاه» مقوله شگفتی است و هر نگاه پیامی دارد. از این رو، در فرهنگ اسلامی برخی از نگاه‌ها معصیت است و برخی عبادت.

در آیات قرآن، از نگاه به چهره پدر و مادر به روشنی یاد نشده است، ولی در روایات



معصومان در ذیل آیات، مباحثی مطرح شده است. امام صادق علیه السلام در توضیح آیه بیست و سوم سوره اسراء می‌فرماید:

لو علم الله شيئاً ادنى من اف لئهى عنه، و هو من ادنى العقوق و من العقوق ان ينظر الرجل الى والديه فيحد النظر اليهما (كليني، ۱۴۰۷، ۲/۳۴۹).

اگر خداوند چیزی کمتر از اف (اوه) گفتن سراغ داشت، از آن نهی می‌کرد و اف گفتن از کمترین مراتب عاق شدن است. نوعی از عاق شدن این است که انسان به پدر و مادرش تیز نگاه کند و خیره شود.

در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نظر الولد الى والديه حباً لها عبادة؛ نگاه مهرآمیز فرزند به پدر و مادر، عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۰/۷۴). همچنین آن حضرت، نگاه محبت‌آمیز به پدر و مادر را مایه نزول رحمت می‌داند:

يفتح أبواب السماء بالرحمة في أربع مواضع عند نزول المطر و عند نظر الولد في وجه الوالدين و عند فتح باب الكعبة و عند النكاح (شعيري، بی تا).

درهای آسمان در چهار هنگام به رحمت گشوده می‌شود؛ هنگامی که باران می‌بارد، آن‌گاه که فرزند به چهره مادر و پدر می‌نگرد، وقتی که در کعبه باز می‌شود و آن زمان که ازدواجی شکل می‌گیرد.

پاداش آن را نیز معادل حج مقبول بیان نموده‌اند:

ما ولد بار نظر الى ابويه برحمة الا كان له بكل نظرة حجة مبرورة. فقالوا: يا رسول الله و ان نظر في كل يوم مائة نظرة؟ قال: نعم، الله اكبر و اطيب (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴/۷۳).

هر فرزند نیکو کاری که با مهربانی به پدر و مادرش نگاه کند، در مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود. سؤال کردند: حتی اگر روزی صد مرتبه به آنها نگاه کند؟ فرمود: آری! خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است.

در نتیجه فرزندان نه فقط باید سخنان و رفتار خود را نسبت به والدین نرم و آرام کنند که باید با نگاه محبت‌آمیز به ایشان نظر نمایند.

۸. نگهداری از ایشان در کهنسالی

از جمله نمودهای رفتاری که خداوند آن را اصل مسلم بیان نموده و به آن تصریح نموده، بلکه احکام آن را بیان فرموده است، مراقبت و نگهداری از والدین در پیری است. هنگامه

پیری، دورانی است که پدر و مادر، ضعیف و از کار افتاده شده و به فرزند خویش نیاز دارند. از این رو، اخلاقی و شرعی فرزند باید حقوق آنان را در این موقعیت به طور ویژه رعایت کند. پدر و مادر تا جوان اند، نیازی به فرزند خود ندارند و به فرزند خود کمک نیز می‌کنند، ولی به هنگام پیری، دیگر توانی ندارند تا مانند جوانان برای زندگی تلاش کنند و معمولاً بیماری و گرفتاری با آنان همراه است. در چنین موقعیتی، آنان نیازمند کمک و پرستاری فرزندان خویش‌اند که این کار باید با کمال صبر و حوصله انجام گیرد.

گاهی ممکن است فرزند در زمان کمک کردن به پدر و مادر پیر خود، اوقات تلخی، کم حوصلگی و یا اظهار خستگی کند. قرآن مجید بر این موارد به طور ویژه تکیه کرده و به انسان سفارش می‌کند که اظهار خستگی نکند و به گونه‌ای نباشد که پدر و مادر پیر او احساس کنند که فرزند از خدمت کردن به آنان خسته شده است:

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِنَّمَا يُبَلِّغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ.
(اسراء: ۲۳)

به والدین احسان کنید و اگر یکی از آن دو، در حیات تو به حد پیری رسید و یا هر دوی آنان سالخورده گشتند، زنه‌ار کلمه‌ای که رنجیده‌خاطر شوند مگو.

واژه «عندک» به صورت غیر مستقیم به این امر اشاره می‌کند. جمله «إِنَّمَا يُبَلِّغَنَّ» مرکب از «إِن» شرطیه و «ما» زایده است که تأکید موکد را می‌رساند؛ یعنی در دوران پیری پدر و مادر، احترام، خدمت‌رسانی و محبت باید دوچندان گردد.

به فرموده قرآن کریم، دوران پیری پدر و مادر، روزگار ضعف و ناتوانی آنان است. بنابراین، فرزندان در این دوران باید در برخورد با ایشان صبر و بردباری پیشه کنند و بیش از پیش بر مهربانی و عطف خود با ایشان بیفزایند؛ چراکه به دلیل شرایط این دوره ممکن است رفتار و یا گفتاری از خود بروز دهند که تحمل آن برای فرزندان جوان، سخت باشد و یا ممکن است نیاز به نگهداری داشته باشند. در چنین شرایطی، فرزندان باید دوران ناتوانی خود در کودکی و زحماتی را که والدینشان در آن دوران متحمل می‌شدند، به یاد آورند و هرچه بیشتر در رعایت احوال آنها بکوشند؛ گرچه به طریق اولی رعایت این امر به دوران جوانی والدین نیز قابل تعمیم است.

علامه طباطبایی نیز در *المیزان* مراقبت از والدین را مسلم دانسته و می‌نویسد:

اگر حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده، از این جهت بوده که پدر و مادر، در آن دوران سخت‌ترین حالات را دارند و بیشتر احساس احتیاج به کمک فرزند می‌نمایند؛ زیرا از بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوان‌اند، و همین معنا یکی از آمال پدر و مادر است که همواره از فرزندان خود آرزو می‌کنند.

آری! روزگاری که پرستاری از فرزند را می‌کردند و روزگار دیگری که مشقات آنان را تحمل می‌نمودند و باز در روزگاری که زحمت تربیت آنها را به دوش می‌کشیدند، در همه این ادوار که فرزند از تأمین واجبات خود عاجز بود، آنها این آرزو را در سر می‌پروراندند که در روزگار پیری از دستگیری فرزند برخوردار شوند. پس آیه شریفه نمی‌خواهد حکم را منحصر در دوران پیری پدر و مادر کند. بلکه می‌خواهد وجوب احترام پدر و مادر و رعایت احترام تام در معاشرت و سخن گفتن با ایشان را بفهماند؛ حال چه در هنگام احتیاجشان به مساعدت فرزند و چه در هر حال دیگر (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۰/۱۳).

۹. حفظ شخصیت والدین

یکی از مصادیق رفتاری که قرآن کریم برای احسان به پدر و مادر بیان کرده است، اجازه گرفتن هنگام ورود به اتاق والدین است: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛ چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند» (نور: ۵۹). طبق این آیه، فرزندان بالغ موظف‌اند برای ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند. کودکان نابالغ نیز که بیشتر اوقات نزد پدر و مادرند، باید آموزش داده شوند که دست کم در سه وقت بدون اجازه وارد نشوند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. (نور: ۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی که شما به سن بلوغ نرسیده‌اند، سه بار در شبانه‌روز از شما کسب اجازه کنند.

البته این حکم، ویژه مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند، و گرنه برای وارد شدن در اطاق عمومی، به ویژه هنگامی که دیگران نیز در آنجا حاضرند و مانع و رادعی در کار نیست، اجازه گرفتن لزومی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۴۱/۱۴).

این دو آیه، حفظ شخصیت و احترام به والدین را بیان می‌کند. البته آیه از کودکانی سخن

می‌گوید که به حد تمیز رسیده‌اند و مسایل جنسی و غیر آن را خوب تشخیص می‌دهند؛ زیرا دستور اذن گرفتن، خود دلیل بر این است که می‌فهمند اذن گرفتن یعنی چه؟ در پایان آیه نیز می‌فرماید: «بر شما و بر آنها گناهی نیست که بعد از این سه وقت، بدون اذن وارد شوند و بعضی به دیگری خدمت کنند و گرد هم بگردند». این، دلیل لزوم نداشتن کسب اجازه در سایر اوقات است؛ چراکه اگر بخواهند پی‌درپی رفت‌وآمد داشته باشند و هر بار اذن بخواهند، کار مشکل می‌شود.

نتیجه

در قرآن کریم احسان و تعامل نیک با پدر و مادر در کنار توحید و یکتاپرستی ذکر شده است. خداوند متعال پس از بیان حکم و جوب پرستش خدای یگانه و نهی از شرک، نیکی و احترام و تکریم پدر و مادر را بیان کرده و افزون بر بیان اهمیت احسان به پدر و مادر، گونه‌های نیکی به والدین را نیز گفته و با تبیین مصداق نیکی و احسان، مردم را به احترام و احسان در حوزه گفتار و رفتار تشویق می‌کند.

برخورد پسندیده بر اساس عرف هر جامعه و به‌کارگیری واژگان زیبا و شیوا، قدردانی از آنها، دعای خیر برای ایشان، دوری از درشت‌گویی و یا به کار نبردن عبارتهایی مانند «اف» و «خسته شدم»، از جمله مصداق‌های گفتاری احسان و احترام به پدر و مادر است. برخی از نمودهای رفتاری احسان به والدین نیز تواضع و فروتنی در برابر آنان، مهربانی و محبت، اکرام و احترام، خوش‌رفتاری و نگاه محبت‌آمیز، انفاق، خدمت و رفع نیاز ایشان پیش از درخواست است که در قرآن بدان‌ها پرداخته شده است.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، احسان به پدر و مادر به معنای احترام به ایشان، برخورد نیکو و رسیدگی به نیازهای آنان پیش از درخواست و ابراز قول کریم به معنای طلب مغفرت آمده است. تعبیر «جناح الذل» نیز نگاه با رأفت و رحمت و دوری از نگاه‌های تیز و تند و بلند نکردن صدا و بالا نبردن دست و پیش نیفتادن از آنان و در کل، رفتار و برخورد نیک معنا شده است. بنابراین، هر مسلمان موظف است طبق رهنمود قرآن به وظایف خود در مورد والدین آشنا شده، در حق‌شناسی و سپاس‌گزاری از زحمات آنان تلاش نموده و ارتباط و تعامل نیک و پسندیده با پدر و مادر را ترک ننماید.

فهرست منابع

※ قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم. (بی تا). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
۲. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶هـ.ق). البرهان. تهران: بنیاد بعثت.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱هـ.ق)، صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
۴. جوادى آملى، عبدالله. (۱۳۸۵). تسنیم. قم: اسراء.
۵. _____ . (۱۳۹۰). مفاتیح الحیاة. قم: اسراء.
۶. حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.
۸. شعیری، محمد. (بی تا). جامع الأخبار. حیدریه: نجف.
۹. صحیفه سجاده. (۱۳۸۱). ترجمه جواد قیومی اصفهانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
۱۱. _____ . (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المكتبة الحیدریة.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. _____ . (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۷. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰هـ.ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۸). القاموس المحیط. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
۲۰. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۲). خلاصه معراج السعاده. قم: مؤسسه در راه حق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۴. متقی هندی. (۱۴۰۹). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۶. _____ . (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). اخلاق اسلامی. قم: مؤسسه امام خمینی.
۲۸. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی الفاظ القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). تفسیر کاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۱. نهج البلاغه. (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم: الهادی.